

# چالش‌های عمده خدمات راهنمایی و مشاوره در دوره اول متوسطه

## مقدمه

مشاوره و راهنمایی در مدارس برنامه‌ای حیاتی است که در عرصه تعلیم و تربیت جهان از سال‌های دور مورد توجه قرار گرفته است. اعمال برنامه‌های مشاوره‌ای بجا و مناسب، نه فقط به ارتقای اهداف و غنای آموزش و پرورش می‌انجامد بلکه بسیاری از مسائل و معضلات برخاسته از درون نظام آموزشی را به نحو شایسته و منطقی حل و فصل خواهد کرد.

در کشورمان این ضرورت زودتر از سایر بخش‌ها در آموزش و پرورش احساس شد و در مدتی کوتاه، شکل عملی به خود گرفت. با مرور تاریخ راهنمایی و مشاوره در ساختار آموزش و پرورش ایران می‌بینیم که این برنامه فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. اولین زمره‌های برنامه راهنمایی و مشاوره در سال ۱۳۴۴ با کنفرانسی در شهر آبادان نضج گرفت و پس از گذشت شش سال از آن کنفرانس، در سال ۱۳۵۰ با استقرار دوره راهنمایی تحصیلی، اولین مشاوران با رویکرد تحصیلی وارد مدارس دوره راهنمایی شدند. آشنا ساختن مربیان، والدین و دانش‌آموزان با برنامه‌های راهنمایی و مشاوره، تهیه پرونده تحصیلی، تست و اجرای آن‌ها از مهم‌ترین وظایف مشاوران در مدارس دوره راهنمایی تحصیلی بود (احمدی، ۱۳۹۳). این برنامه تا سال ۱۳۵۷ با تمرکز بر بُعد تحصیلی و با نقص‌ها و مشکلات آشکار ادامه پیدا کرد. در این سال با وقوع انقلاب اسلامی، برنامه تا مدتی به شکل معلم-مشاور تداوم یافت و مشاوران ضمن انجام وظایف مشاوره‌ای، به کار تدریس نیز مشغول شدند. در برنامه مذکور، ساعات کاری مشاوران مدارس به ۱۲ ساعت تدریس و ۱۰ ساعت مشاوره تغییر کرد.<sup>۱</sup> در ادامه، برنامه راهنمایی و مشاوره به دلایلی نامعلوم از نظام تعلیم و تربیت کشورمان حذف شد و مربیان پرورشی وارد نظام آموزش و پرورش کشور شدند. در سال ۱۳۶۴ با پدیدار شدن مشکلات تحصیلی و سازشی عدیده در میان دانش‌آموزان، گزارش این رویدادها و عدم تخصص

مربیان پرورشی در مداخلات درمانی، هسته‌های مشاوره در مناطق آموزش و پرورش به صورت نیمه تخصصی شکل گرفت. در سال ۱۳۶۹ کلیات طرح تغییر نظام جدید آموزش و پرورش متوسطه به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. در آن طرح برای دبیرستان‌های نظام جدید، مشاور در نظر گرفته شد. در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ نظام جدید آموزش متوسطه به اجرا درآمد و برای مدارس متوسطه از بین کسانی که دارای شرایط بودند، مشاور به کار گرفته شد. این تغییرات در سال ۱۳۹۴ با استقرار نظام موسوم به ۳-۳-۶ و انتقال انتخاب رشته و هدایت تحصیلی از پایه دهم دوره دوم متوسطه به پایه نهم، به گونه‌ای دیگر رقم خورد و تاریخ تکرار شد و مشاوران که در این سال‌ها در کشوقوس حذف و احیا و دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه در رفت و آمد بودند، به دوره راهنمایی تحصیلی، که در نظام جدید آموزش و پرورش نام متوسطه اول به خود گرفته بود، منتقل شدند.

این انتقال با تأکید بر نقش راهنمایی تحصیلی مشاوران و ضرورت انتخاب رشته تحصیلی در پایه نهم انجام گرفت. در این راستا، قسمت اعظم مشاوران مدارس (که بنا به اظهارات مسئولان آموزش و پرورش در حدود ۱۸۰۰۰ نفرند) به دوره اول متوسطه منتقل شدند و دوره دوم متوسطه

# ضرورت بازیابی آن در دوره دوم متوسطه

روح‌الله رحیمی

دکتری تخصصی مشاوره

دانش‌آموزان در سنین دوره دوم متوسطه به بلوغ کامل می‌رسند و همواره با هیجانات ناپایدار دست به رفتارهای خاصی می‌زنند. تجربه استعمال دخانیات، بزهکاری‌ها و روابط با جنس مخالف معمولاً در این سن شروع می‌شود. با وجود مشغله والدین و سایه فناوری بر زندگی اجتماعی خانواده‌ها، مشاور مدرسه تنها منبع کمک‌های اولیه روان‌شناختی به دانش‌آموزان است.

تقریباً از حضور مشاوران خالی شد! در حالی که وزارت آموزش و پرورش و دفتر مشاوره آن از سند تحول بنیادین به عنوان پشتوانه و ضمانت اجرایی این انتقال یاد می‌کرد، در این سند در سه جا بر نقش مشاوره در آموزش و پرورش تأکید شده است. سه راهکار ۷/۳، ۴/۴ و ۴/۲۱ در این سند به خدمات و به‌کارگیری مشاور در مدرسه اشاره داشته است. برای نمونه، در راهکار ۷/۳ آمده است: «ارائه خدمات مشاوره‌ای - تربیتی در کلیه سطوح تحصیلی برای افزایش سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان» و همچنین راهکار ۴/۴: «افزایش میزان مشارکت خانواده‌ها در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه، برگزاری دوره‌های آموزشی اثربخش، ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زا برای همسوسازی اهداف و روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه» و راهکار ۴/۲۱: «استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی مبتنی بر مبانی اسلامی و افزایش نقش معلمان در این زمینه و به‌کارگیری مشاوران متخصص برای ایفای وظایف تخصصی در تمام پایه‌های تحصیلی».

با دقت در سه راهکار فوق مشاهده می‌شود که در دو راهکار به حضور خدمات راهنمایی و مشاوره در تمام پایه‌ها و کلیه سطوح تحصیلی به وضوح اشاره شده است که این امر با ارائه صرف خدمات راهنمایی و مشاوره در دوره اول متوسطه تناقض آشکار دارد. انتقال خدمات راهنمایی و مشاوره از دوره دوم متوسطه به متوسطه اول، آموزش و پرورش، مشاوران، دانش‌آموزان و اولیای آنان و حتی سطح کلان جامعه را با چالش‌های عمده‌ای مواجه کرده که در این مقاله سعی شده است به آن‌ها اشاره شود. اهم این چالش‌ها عبارت‌اند از:

## ۱. محدود کردن ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره به دوره اول متوسطه

کارساز باشند. حبیبی، مرادی، پورآوری و صالحی (۱۳۹۴) شیوع اختلالات رفتاری دانش آموزان دوره دوم متوسطه استان قم را ۱۷/۱ برآورد کرده و شایع ترین اختلال رفتاری در دانش آموزان این دوره را پرخاشگری عنوان کرده اند. رحیمیان بوگر و بیانی (۱۳۹۱) نیز فراوانی اختلالات رفتاری در دانش آموزان این دوره تحصیلی را ۵/۵ استخراج کرده و اختلالات اضطرابی مبتنی بر DSM را دارای بالاترین فراوانی در دانش آموزان این دوره معرفی کردند. نمونه پژوهش های فوق در کشورمان فراوان یافت می شود که بر شیوع اختلالات رفتاری و آسیب های اجتماعی در دوره دوم متوسطه تأکید دارد. در همین زمینه، کیایی (۱۳۹۷) مدیر کل دفتر مقابله با آسیب های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش در نشست خبری جشنواره نوجوان سالم براساس پژوهش های انجام شده اعلام کرد که بیشترین آمار مصرف مواد مخدر در دانش آموزان دوره متوسطه دوم گزارش شده است.

دانش آموزان در سنین دوره دوم متوسطه به بلوغ کامل می رسند و همواره با هیجانات ناپایدار دست به رفتارهای خاصی می زنند. تجربه استعمال دخانیات، بزهکاری ها و روابط با جنس مخالف معمولاً در این سن شروع می شود. با وجود مشغله والدین و سایه فناوری بر زندگی اجتماعی خانواده ها، مشاور مدرسه تنها منبع کمک های اولیه روان شناختی به دانش آموزان است. از طرفی در این دوره، دانش آموزان با کنکور و انتخاب رشته های دانشگاهی و انتخاب شغل روبه رو هستند که از اهمیتی برابر با هدایت تحصیلی و حتی گاه بیشتر از آن برخوردار است. در بسیاری از مناطق محروم که خانواده ها قادر به پرداخت هزینه های مشاوره مراکز خصوصی نیستند، تنها امید دانش آموزان و اولیای آن ها همین مشاوران مدارس بوده اند و انتقال مشاوران به دوره اول متوسطه این امکان را از آن ها گرفته است.

## ۲. محدود کردن خدمات راهنمایی و مشاوره به بعد تحصیلی

خدمات راهنمایی و مشاوره در نظام تعلیم و تربیت ابعاد گوناگون را شامل می شود که از مهم ترین آن ها می توان خدمات تحصیلی، شغلی، بهداشتی و سازشی را نام برد. متأسفانه در این انتقال فقط بر بعد تحصیلی تأکید شد و سایر ابعاد در سایه پررنگ شدن نقش راهنمایی تحصیلی، کم رنگ شدند. جالب تر

این انتقال خاموش که با تأکید بر سند بنیادین ولی به نظر بدون انجام پژوهش های علمی و فقط با استناد به کمبود نیروی مشاور در ساختار آموزش و پرورش و هدایت تحصیلی در دوره اول متوسطه انجام گرفت، خدمات راهنمایی و مشاوره را به یک دوره تحصیلی خاص محدود کرد. این در حالی است که دو دوره تحصیلی دیگر، به خصوص متوسطه دوم، بنا به پژوهش های انجام گرفته به سبب پیش بینی وقوع اختلالات روان شناختی و اجتماعی در دانش آموزان درخور توجه ویژه در این زمینه است؛ تا جایی که در سه سال اخیر که این انتقال عملی شده است به گواه گزارش ها و پژوهش های علمی، آسیب های اجتماعی و اختلالات رفتاری در دانش آموزان این دوره به شدت رو به فزونی گذاشته است. البته این استدلال دال بر این نیست که در زمان حضور مشاوران در دوره دوم متوسطه، دانش آموزان این دوره اختلالات یاد شده را نداشته اند اما کاملاً آشکار است که مشاوران دارای توانمندی و صلاحیت های تخصصی می توانند روغن چرخ دنده های رابطه سه جانبه دانش آموز - خانواده - مدرسه باشند و در پیشگیری های نوع اول، دوم و سوم بسیار





اکنون که شعار سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۸، «سلامت روان جوانان و نوجوانان، جهان در حال تغییر» است و آمارها نشان از آسیب‌های اجتماعی و روان‌شناختی عمده در این نسل دارد، وقت آن نیست که ضمن توجه به بُعد سازشی مشاوران در دوره اول متوسطه و فراهم کردن شرایط حضور مشاوران باتجربه و حرفه‌ای در دوره دوم متوسطه برای پیشگیری و مداخله در برابر این آسیب‌ها چاره‌ای بیندیشیم؟

وجود ساعات تدریس در برنامه مشاوران مدارس و کم‌رنگ کردن نقش سازشی و محدود کردن مشاور به خدمات راهنمایی تحصیلی، دوباره در حال طی طریق قبلی هستیم.

#### ۴. کم‌رنگ شدن نقش مشاور در فرایند هدایت تحصیلی

در حال حاضر انتخاب رشته تحصیلی در پایه نهم و بر اساس ۱۰۰ امتیاز شامل ۶۵ امتیاز مشاوره‌ای، آزمون استعداد (۱۵ امتیاز)، آزمون رغبت‌های تحصیلی و شغلی (۱۵ امتیاز) نظرات دبیران دروس مرتبط (۱۰ امتیاز)، نظر دانش‌آموز (۱۰ امتیاز)، نظر والدین (۵ امتیاز) و نظر مشاور آموزشگاه (۱۰ امتیاز) و ۳۵ امتیاز نمرات دروس مرتبط با رشته انجام می‌شود. با وجود اینکه امتیازات مشاوره‌ای به مراتب امتیاز بیشتری از نمرات دروس مرتبط دارد، نقش امتیازات مشاوره‌ای در هدایت تحصیلی بسیار کم‌رنگ است و حتی در دو سال اخیر عملاً بی‌اثر شده است. از سال تحصیلی گذشته، اداره کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش به منظور هدایت تحصیلی دانش‌آموزان پایه نهم برای ورود به دوره دوم متوسطه، دو فرم با عنوان فرم‌های شماره ۶ و ۷ تهیه کرده است. در فرم شماره ۶ براساس امتیازات مشاوره‌ای (۶۵ امتیاز) اعلام می‌شود که دانش‌آموز به کدام یک از شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی دوره دوم متوسطه هدایت شود. جالب اینکه فرم شماره ۶ کاملاً توصیه‌ای است و هیچ اجباری برای ورود به رشته خاص ندارد! یعنی مشاور می‌تواند در تمام طول سال تحصیلی برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به ۶۵ امتیاز فوق تلاش می‌کند، در پایان سال تحصیلی و در ایستگاه پایانی هدایت تحصیلی نتیجه این تلاش‌ها را تقریباً خنثی می‌بیند. اما در فرم شماره ۷ که بر اساس نمرات سه سال دوره اول متوسطه تهیه شده، اولویت‌های دانش‌آموز بر اساس نمرات کسب شده به ترتیب در شاخه‌ها و رشته‌های مختلف تحصیلی تعیین شده است و براساس این اولویت‌بندی، دانش‌آموزان در گروه‌های چهارگانه «الف»، «ب»، «ج» و «د» قرار می‌گیرند.

اینکه در بُعد تحصیلی نیز توجه به نقش راهنمایی تحصیلی، مشاوران را از کارکردهای مشاوره تحصیلی و مداخله‌های مقدماتی روان‌شناختی در این زمینه بازداشت. این امر موجب شد نقش مشاوران به برگزاری آزمون‌های نسبتاً کم‌اثر در فرایند هدایت تحصیلی و اجرا کنندگان صرف آزمون‌ها و راهنمایی تحصیلی محدود شود. مهم‌ترین بُعد خدمات راهنمایی و مشاوره که در برنامه جدید مورد غفلت جدی قرار گرفت، بُعد سازشی بود. مشاوران در دوره اول متوسطه به سبب حضور کم‌رنگ در مدارس (به علت کم بودن تعداد ساعات در نظر گرفته شده که در ازای هر ۱۵ نفر دانش‌آموز، ۱ ساعت خدمات راهنمایی و مشاوره اختصاص می‌یابد)، قادر به ارائه خدمات سازشی به دانش‌آموزان و اولیای آنان نیستند. در دوره دوم متوسطه هم با وجود نیاز ضروری، دانش‌آموزان از این خدمات تخصصی محروم شدند. این روند در شرایطی رقم می‌خورد که حتی توجه به بُعد تحصیلی به سبب اینکه دانش‌آموزان این دوره در آستانه کنکور سراسری قرار دارند، حضور مشاور و ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره در این دوره را بسیار ضروری می‌سازد.

#### ۳. برگشت به سال ۱۳۵۸ و قرار گرفتن مشاوران در نقش معلم-مشاور!

همان‌طور که در سطور قبلی اشاره شد، در سال ۱۳۵۸ خدمات راهنمایی و مشاوره در مدارس با تغییراتی خاص مواجه شد. در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۳۱ برنامه معلم-مشاور اجرا شد و به موجب این برنامه بدون پشتوانه علمی، ساعات کار مشاوران به ۱۲ ساعت تدریس و ۱۰ ساعت مشاوره تغییر کرد. جالب‌تر اینکه در اواخر سال تحصیلی ۱۳۵۸-۵۹ (در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۵) ناگهان تصمیم گرفته شد که تا زمان تهیه طرح‌های اجرایی جدید، برنامه راهنمایی و مشاوره حذف شود! و در پی این طرح، مشاوران مدارس به صورت کامل به حوزه آموزشی منتقل شدند. حال در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد با اجباری کردن



سازمان بهداشت جهانی تأکید دارد که بهترین مسیر برای سلامت مادام‌العمر، با سلامت روان خوب شروع می‌شود و نوجوانانی که با استرس‌سورهایمانند جنگ، فقر، گرسنگی، اختلالات روان‌پزشکی، آسیب‌های اجتماعی، پرخاشگری، مصرف مواد و ... روبه‌رو هستند، احتمال زیادی دارد که در تمام طول عمر و زندگی آینده‌شان مشکلات روان‌شناختی داشته باشند

مدرسه حضور دارد. مراجعه می‌کنید؟ و این امر روز به روز باعث فاصله گرفتن مشاور مدرسه از دانش‌آموزان و اولیای آنان به ویژه در ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره‌سازی شد. از طرف دیگر، کارکنان مدرسه (مدیر، معاونان، معلمان و سایر کارکنان) در این دوره تحصیلی از برنامه‌های راهنمایی و مشاوره آگاهی چندانی نداشتند و به مشاور مدرسه و خدمات راهنمایی و مشاوره به مثابه موجودی بیکار و غیرمؤثر و برنامه‌ای عجیب و ناآشنا نگاه می‌کردند. رمزآلود بودن و ابهام نقش مشاور و خدمات راهنمایی و مشاوره در بلندمدت می‌تواند سبب تعارضاتی بین کارکنان مدرسه و مشاوره شود. این در حالی است که مدیران و کارکنان دوره دوم متوسطه طی سال‌ها تجربه کار با مشاور، به ضرورت نقش مشاور و خدمات راهنمایی و مشاوره پی برده بودند. آزمون‌های برخط (آنلاین) مشاوره‌ای در سامانه همگام و فقدان سایت و امکانات سخت‌افزاری در برخی مدارس، به خصوص مدارس مناطق روستایی و آشنا نبودن تعداد زیادی از دانش‌آموزان برای کار با رایانه و ورود به فضای مجازی، عامل عمده دیگری بود که ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره در دوره اول متوسطه را با چالش مواجه کرد. ناکارآمدی این آزمون‌ها و اجرای غیرحرفه‌ای آن‌ها در بخشی مجزا بررسی می‌شود.

#### ۶. آزمون‌های پرهزینه و کم‌اثر در هدایت تحصیلی

در چند سال گذشته، در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان پایه نهم از آزمون‌های دوگانه استعداد و رغبت استفاده شده است. سؤال مهمی که در این راستا طرح می‌شود این است که این آزمون‌ها براساس کدام استانداردها هنجاریابی و برگزار شده‌اند؟ نتایج این آزمون‌های طولانی و خسته‌کننده در کجا مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ این آزمون‌ها به‌طور مشخص چه تأثیری در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان پایه نهم داشته است؟ مگر نه اینکه نمرات حاصل از این آزمون‌ها به‌عنوان بخشی از امتیازات مشاوره‌ای فقط در حد توصیه‌ای کم‌اثر، نقش دارد؟ جالب اینکه هر ساله برای تصحیح این آزمون‌ها که در نظام قبلی (دوره دوم

براساس تقسیم‌بندی فوق، دانش‌آموزان گروه الف در اولویت ثبت‌نام قرار دارند و سایر اولویت‌ها باید به ترتیب منتظر بمانند تا اولویت‌های قبلی در رشته مورد نظر ثبت‌نام کنند تا نوبت به آن‌ها برسد. براساس آنچه گفته شد، نقش امتیازات مشاوره‌ای و مشاور آموزشگاه در هدایت تحصیلی بسیار کم‌رنگ و ناچیز است؛ در حالی که نمرات درسی تعیین‌کننده اصلی است. این امر با انتخاب رشته تحصیلی در نظام قبلی و پایه دهم که در آن مشاور و امتیازات مشاوره‌ای تعیین‌کننده‌تر بود، مغایر است. تأثیر بیشتر امتیازات مشاوره‌ای و نظر تخصصی مشاور در فرایند انتخاب رشته عاقلانه‌تر به نظر می‌رسد. همچنین، به نظر می‌رسد که تداوم این روند و کم‌رنگ شدن نقش مشاور در فرایند هدایت تحصیلی به حذف نقش مشاور در این فرایند منجر شود و عوامل مدرسه، دانش‌آموزان و اولیا را به این باور می‌رساند که این جریان بدون مشاور هم قابل اجراست.

#### ۵. آماده نبودن دوره اول متوسطه (فضای فیزیکی، کارکنان، ابزارها و ...) برای استقرار برنامه راهنمایی و مشاوره

اغلب مدارس دوره راهنمایی تحصیلی سابق و دوره اول متوسطه (که البته همین تغییر نام نیز هزینه‌های بسیاری را به آموزش و پرورش و مدیران مدارس تحمیل کرد؛ تغییر تابلوی سر در، مهر، دفاتر و سایر ملزومات مدارس را در نظر بگیرید!) از نظر فضای فیزیکی آمادگی پذیرش مشاوران را نداشتند؛ چون اصلاً اتاقی با عنوان اتاق مشاور در این مدارس پیش‌بینی نشده بود. در مدارس دوره دوم متوسطه قبل از ساخت یا در اوایل کار، اتاق خاصی به نام اتاق مشاوره در نظر گرفته می‌شد. از این رو، از زمان ورود مشاوران به دوره اول متوسطه، به‌خصوص در شهرهای کم‌برخوردار و مناطق روستایی، مشاوران در دفتر و سایر اتاق‌های مدرسه سرگردان شدند؛ در حالی که مشاور برای ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره به اتاقی کاملاً مجزا و تخصصی نیاز دارد. آیا شما به‌عنوان یک دانش‌آموز برای بازگو کردن مسائل خصوصی و رازهای خود به مشاوره‌ای که در راهرو یا دفتر

متوسطه) به صورت کاغذ-مدادی اجرا می‌شد، هزینه‌های زیادی صرف می‌شود.

علاوه بر آزمون‌های طولانی و خسته‌کننده استعداد و رغبت، آزمون دیگری با عنوان «آزمون سلامت روانی-رفتاری» در ۱۲ بخش با ۲۹۴ سؤال برای دانش‌آموزان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم طراحی شد که خیلی از دانش‌آموزان به سبب بی‌تأثیر بودن آن در هدایت تحصیلی و زمان‌بر بودن (حداقل ۲ ساعت!) از شرکت در آن خودداری کردند. از طرف دیگر، نتایج این آزمون غامض هیچ‌گاه منتشر نشد و برای شناخت دانش‌آموزان و مداخله‌های تخصصی، مشاوره‌های هم در اختیار مشاوران مدارس قرار نگرفت.

هنوز کسی به این سؤالات پاسخی نداده است که آیا تحلیل نتایج این آزمون‌ها در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده است؟ آیا آموزش و پرورش از نتایجی که از این آزمون‌ها به دست آمده برای کنترل و پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی و روان‌شناختی دانش‌آموزان بهره‌ای برده است؟

#### ۷. ابهام در هدایت تحصیلی؛ روندی تکرار شونده

از زمانی که هدایت تحصیلی به دوره اول متوسطه منتقل شد، هر سال هدایت تحصیلی با تغییرات عدیده‌ای مواجه شده است. آزمون‌ها، روند اجرا، امتیازات و فرم‌های نهایی هدایت تحصیلی هر ساله تقریباً در اسفندماه مشخص می‌شود و این جریان هدایت تحصیلی را برای عوامل اجرایی آن به خصوص مشاوران گنگ و نامشخص کرده است. نامشخص بودن و عدم قطعیت فرایند هدایت تحصیلی و مفاد و محتوای آن حتی موجب استرس و تنش در دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان شده است؛ به گونه‌ای که در دو سال گذشته کار به وزارت آموزش و پرورش، مجلس شورای اسلامی و هیئت دولت هم کشیده شده است.

دانش‌آموزان زیادی به رغم علاقه‌مند بودن و حتی کسب نمرات لازم از ورود به شاخه و رشته مورد علاقه خود بازمانده‌اند. این ابهام در هدایت تحصیلی از شروع برنامه جدید در دوره اول متوسطه به روندی همیشگی و تکرار شونده تبدیل شده است و هر سال بعد تازه‌ای از آن سر بر می‌آورد و این تغییرات مکرر برای عوامل اجرایی، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و حتی جامعه بسیار استرس‌زاست.

#### ۸. هدایت تحصیلی یا سلامت روان؟ کدام یک مهم‌ترند؟

سؤال مهمی که اکنون به چالش بزرگی در حوزه کلان آموزش و پرورش تبدیل شده، این است که آیا هدایت تحصیلی آنقدر مهم است که ما سلامت روانی نوجوانان دوره‌های اول و دوم متوسطه را فدای آن کنیم؟ تردیدی نیست که هدایت تحصیلی و نقش مشاور در این جریان مهم است ولی اکنون باید به این پرسش اساسی پاسخ داد که چرا آموزش و پرورش بحران‌های اجتماعی نوجوانان را به دیده اغماض می‌نگرد و خود را سرگرم باز کردن گره‌های ساده (چون هدایت تحصیلی) با دندان می‌کند؟ آیا در حال حاضر خودکشی، اعتیاد نوجوانان، مصرف دخانیات و سردرگمی نسل نوجوان و جوان، از انتخاب رشته مهم‌تر نیست؟ چرا می‌خواهیم خدمات راهنمایی و مشاوره را به بعد تحصیلی محدود کنیم؟ آیا این امر مشاوران را از سایر وظایف حرفه‌ای‌شان و به طور خاص وظایف سازشی دور نمی‌کند؟

اکنون که شعار سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۸، «سلامت روان جوانان و نوجوانان، جهان در حال تغییر» است و آمارها نشان از آسیب‌های اجتماعی و روان‌شناختی عمده در این نسل دارد، وقت آن نیست که ضمن توجه به بعد





خودداری کرده و یا کوشیده است به قول زیگموند فروید با مکانیسم دفاعی انکار، اضطراب ناشی از این واقعیت‌ها را به فراموشی بسپارد. جالب است که حتی برخی از مسئولان می‌گویند که همیاران مشاور در دوره دوم متوسطه خلأ ناشی از نبود مشاوران را پُر کرده‌اند! پر واضح است که همیار مشاور نه تنها هیچ‌گاه نمی‌تواند این خلأ عمیق را پر کند بلکه حتی گاهی اگر بدون نظارت مشاور حرفه‌ای عمل کند، می‌تواند دشواری‌ها و مشکلات تازه‌ای به‌وجود آورد.

به نظر می‌رسد می‌توان با خلاقیت و سازماندهی مجدد، حتی در شرایط کمبود نیرو، هر دو دوره تحصیلی را پوشش داد. نگارنده پیشنهاد می‌کند که ساعات تدریس مشاوران در دوره اول متوسطه به مربیان پرورشی واگذار شود و از محل این ساعات، مشاوران باتجربه و متخصص به مدارس دوره دوم متوسطه اختصاص یابند تا دانش‌آموزان این دوره و اولیای ایشان نیز از خدمات راهنمایی و مشاوره بهره‌گیرند. در بلندمدت نیز وزارت آموزش و پرورش باید برای اجرای بندهای سند تحول بنیادین که بر ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره در کلیه دوره‌های تحصیلی تأکید دارد، در به‌کارگیری نیروهای جدید در پست مشاوره مدارس مساعی لازم را به عمل آورد.

سازشی مشاوران در دوره اول متوسطه و فراهم کردن شرایط حضور مشاوران باتجربه و حرفه‌ای در دوره دوم متوسطه برای پیشگیری و مداخله در برابر این آسیب‌ها چاره‌ای بیندیشیم؟ سازمان بهداشت جهانی با طرح شعار سال ۲۰۱۸ (سلامت روان جوانان و نوجوانان: جهان در حال تغییر) تأکید دارد که به هوش باشیم که جهان در حال تغییر است، نحوه ارتباطات و گفت‌وگوها به سرعت در حال دگرگونی است و به سمت فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی کشیده شده است. توجه، تمرکز و مراقبت از نوجوانان و جوانان در این دنیای پیچیده و رمزآلود مهم‌ترین و ضروری‌ترین وظیفه خانواده و نظام تعلیم و تربیت است. از این‌رو، سازمان بهداشت جهانی تأکید دارد که بهترین مسیر برای سلامت مادام‌العمر، با سلامت روان خوب شروع می‌شود و نوجوانانی که با استرس‌ورهایی مانند جنگ، فقر، گرسنگی، اختلالات روان‌پزشکی، آسیب‌های اجتماعی، پرخاشگری، مصرف مواد و ... روبه‌رو هستند، احتمال زیادی دارد که در تمام طول عمر و زندگی آینده‌شان مشکلات روان‌شناختی داشته باشند. شعار جهانی سلامت روان در سال ۲۰۱۸ اهمیت ارائه خدمات بیشتر و مراقبت بهتر از نوجوانان و جوانان و مشکلاتی را که در این دوران دارند، نشان می‌دهد. توانمندسازی، اقدامات پیشگیرانه، مداخلات زود هنگام، آموزش مهارت‌های زندگی مانند کنترل خشم، راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار، مهارت‌های ارتباطی، تاب‌آوری از عوامل کلیدی در ساختن آینده‌ای سالم برای نوجوانان و جوانان است. نظام آموزشی، به‌ویژه مشاوران مدارس، در کنار والدین می‌توانند با آموزش مهارت‌های زندگی به نوجوانان و جوانان به آنان در مقابله با چالش‌های روزمره در خانه و مدرسه کمک کنند. حمایت‌های روانی و اجتماعی از دانش‌آموزان در مدارس بسیار حائز اهمیت است و این، نقش مشاوران مدارس و حضور پررنگ آن‌ها را ضروری‌تر از قبل می‌کند.

البته آموزش و پرورش بارها کمبود نیرو در این زمینه را بهانه کرده و از روبه‌رو شدن با واقعیت‌های ذکر شده در این مقاله

#### منابع

۱. ابراهیمی، لقمان و دیگران. (۱۳۹۴). چالش‌های فعالیت‌های روان‌شناسی و مشاوره در مدارس: پژوهش کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت. ۲(۴)، ۱۷۷-۱۶۶.
۲. احمدی، سیداحمد. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۳. اصغری‌پور، حمید؛ اصغری‌پور، نگار و فضل‌خانی، منوچهر (۱۳۹۱). مشاوره با دانش‌آموزان در مدارس. تهران: انتشارات ورا دانش.
۴. حبیبی، مجتبی و دیگران. (۱۳۹۴). بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و متوسطه استان قم. مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران. ۱۱ (۱)، ۶۳-۵۶.
۵. رحیمیان بوگر، اسحق و بیانی، علی اصغر. (۱۳۹۱). فراوانی اختلالات رفتاری مبتنی بر DSM-IV دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه استان گلستان (۸۹-۱۳۸۸). مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان. دوره ۱۴، ۴۱(۱)، ۹۹-۹۰.
۶. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۷. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۸. کیایی، سجاد. (۱۳۹۷). بیشترین آمار مصرف اعتیاد در دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم. باشگاه خبرنگاران جوان.  
<https://www.yjc.ir/fa/news/6655551>

**\* به نظر می‌رسد در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ نیز با ملزم کردن مشاوران به تدریس، قصد داریم دوباره به گذشته برگردیم!**